گفت‌وگوی «شهروند» با مهسا جاور و محسن محمدسیفی، زوج موفق ورزش ایران

یک عاشقانه اسپورت

محسن سیفی دو مدال طلا در بازی‌های آسیایی و یک طلا و یک نقره در بازی‌های جهان را در کارنامه دارد و مهسا جاور مدال برنز بازی‌های آسیایی

مهسا جاور:

محسن در زندگی شخصی خشن نیست

اگر چه زندگی زناشویی دو ورزشکار حرفه‌ای شباهتی به زندگی افراد عادی ندارد و چالش‌های زیادی را ایجاد می‌کند اما مهسا جاور از تصمیمی که گرفته پشیمان نیست. جاور (متولد ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۳) قایقران روئینگ زن اهل زنجان است. جاور با حضور در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون در ماده چهار نفره جفت پاروی سبک‌وزن بانوان، به جایگاه سوم و نشان برنز دست پیدا کرد. جاور در المپیک ۲۰۱۶ ریو تنها قایقران روئینگ ایران بود که در فینال E با پنج قایقران به رقابت پرداخت و درنهایت چهارم شد. با این نتیجه او در رتبه بیست‌وهشتم المپیک قرار گرفت که با توجه به نخستین حضورش در المپیک نتیجه نسبتا خوبی برای او به حساب می‌آید. نکته جالب درباره مهسا جاور این است که علاوه بر متأهل‌بودن و حضور در اردوی تیم‌ملی و دنبال‌کردن ورزش به صورت حرفه‌ای، دانشجو هم هست. او دانشجوی رشته تربیت بدنی در دانشگاه سراسری است اما حضور مداومش در اردوهای تیم‌ملی مشکلات زیادی را برایش ایجاد کرده است. جاور می‌گوید معمولا استادها با او همکاری نمی‌کنند و برای گرفتن مرخصی هم به دردسر می‌افتد. با وجود این او به بهترین شکل زندگی‌اش را اداره می‌کند و علاوه بر این‌که همسر خوبی است، یک ورزشکار موفق هم هست. جاور درباره مسائل جالب زندگی خود با محسن محمدسیفی صحبت کرده که خواندن آن جالب است.

• **اول از همه درباره انتخاب قایقرانی به عنوان رشته ورزشی‌ات بگو.**

آمدنم به این رشته کاملا شانسی بود. در یک استعدادیابی استانی به دلیل شرایط فیزیکی‌ام انتخاب شدم و به‌تدریج حضورم را در این رشته به صورت حرفه‌ای آغاز کردم. در زنجان امکانات زیادی برای قایقرانی نبود و ما فقط یک قایق شکسته داشتیم که در سد ۱۰۰ متری استفاده می‌شد؛ با وجود این علاقه زیادی به قایقرانی داشتم و این رشته را ادامه دادم.

• **از آشنایی با محسن سیفی بگو. چطور شد که دو ورزشکار حرفه‌ای با همدیگر آشنا شدند؟**

من و محسن همشهری هستیم و در زنجان زندگی می‌کنیم. از قبل و کم و بیش همدیگر را می‌شناختیم اما آشنایی نزدیکی با هم نداشتیم. قبل از بازی‌های آسیایی اینچئون و در حین اعزام به این مسابقات بیشتر با او آشنا شدم؛ زیرا در اکثر مراسم‌هایی که دعوت می‌شدم او را هم می‌دیدم. از طرفی بیشتر اردوهای ما در تهران برگزار می‌شد و در سلفی که غذا می‌خوردیم هم برخورد زیادی با هم داشتیم. محسن با ورزشکاران هم‌رشته من مثل محسن شادی دوستی نزدیکی داشت و از این طریق آشنایی ما شکل گرفت. بعد از گذشت چند ماه با برطرف‌شدن برخی کشمکش‌ها آشنایی ما به ازدواج ختم شد.

• **زندگی دو ورزشکار حرفه‌ای شباهت زیادی به زندگی افراد عادی ندارد؛ همین طور است؟**

بله؛ دقیقا همین‌طور است. قطعا زندگی برای ورزشکاران حرفه‌ای دشواری‌های زیادی دارد؛ اما من و محسن یک هدف را با هم انتخاب کردیم و برای رسیدن از خیلی چیزها می‌گذریم. من و محسن به مدت ۳ سال است که با هم ازدواج کرده‌ایم اما شاید فقط ۶ ماه کنار هم زندگی کرده‌ایم؛ چون برنامه‌های ورزشی‌مان مثل هم نیست. گاهی پیش آمده در ماه فقط ۲ یا ۳ بار همدیگر را دیده‌ایم. معمولا وقتی من در مرخصی هستم، محسن به اردو می‌رود و برعکس. علاوه بر اینها مشکلات دیگری هم پیش می‌آید اما ما از شرایط زندگی‌مان راضی هستیم و خدا را شکر می‌کنیم.

• **با توجه به این‌که هر دو ورزشکار حرفه‌ای هستید، حتما به خوبی همدیگر را درک می‌کنید؟**

بله؛ خوشبختانه شباهت وضع ما باعث شده به خوبی همدیگر را درک کنیم و با هم کنار بیاییم. شاید اگر یک فرد عادی با یک ورزشکار ازدواج کند نتواند با وضع او کنار بیاید اما من و محسن با حضور نداشتن در خانه کنار آمده‌ایم. سختی‌های زندگی ما زیاد است اما وقتی درک متقابل وجود داشته باشد همه چیز قابل تحمل می‌شود.

> **مهسا جاور:**
> **همانطور که گفتید تقریبا همه ورزشکاران مشکل مالی دارند و این فقط مختص من و محسن نیست. خود من که هیچ درآمدی از ورزش به دست نمی‌آورم و حتی گاهی از جیبم هم خرج می‌کنم. حقوق محسن هم محدود است و به دنبال این هستیم که در آینده نزدیک منبع درآمد جدیدی داشته باشیم**

• **این‌که زمان زیادی را کنار هم نیستید روی صمیمیت رابطه‌تان تأثیر می‌گذارد؟**

همه زوج‌ها خصوصا در ابتدای زندگی دوست دارند کنار هم باشند اما این موضوع برای ما گاهی غیرممکن می‌شود؛ چون معمولا وقتی من خانه باشم، محسن نیست یا برعکس. این دوری‌ها برای ما سخت می‌گذرد گاهی پیش آمده من مدت ۳ ماه در خانه حضور نداشته‌ام اما محسن در مرخصی به سر می‌برد و من نمی‌توانستم کنار او باشم؛ اما همان‌طور که گفتم با این شرایط کنار آمده‌ایم و به فکر رسیدن به هدف مشترکمان هستیم.

• **ممکن است به خاطر مشکلاتی که ورزش حرفه‌ای در زندگی شما ایجاد کرده بخواهید زودتر از موعد قید ورزشکاربودن را بزنید؟**

نه؛ هرگز به دنبال این نیستیم که چون متأهل شده‌ایم خودمان را بازنشسته کنیم. درست است که ما تشکیل خانواده داده‌ایم اما برای موفقیت در رشته‌هایمان زحمت زیادی کشیده‌ایم و هزینه داده‌ایم تا به این نقطه رسیده‌ایم. زندگی معمولی همیشه هست و برای سپری‌کردن زندگی بدون ورزش حرفه‌ای همیشه وقت هست. ما تا زمانی که از نظر جسمی و روحی شرایط مساعد داشته باشیم حتما به حضورمان در ورزش حرفه‌ای ادامه می‌دهیم. اما اگر قرار به خداحافظی باشد با هم از ورزش حرفه‌ای کنار می‌رویم.

• **اوقاتی که با هم در خانه حضور دارید را چطور سپری می‌کنید؟**

ما وقتی در مرخصی باشیم هم ملزم به تمرین هستیم تا از فرم ایده‌آل خارج نشویم. من به دلیل امکانات موجود روزی یک جلسه تمرین می‌کنم اما محسن باید دو جلسه تمرین داشته باشد. اوقات بیکاری را هم به فیلم دیدن کنار یکدیگر یا کتاب‌خواندن سپری می‌کنیم. تلاش می‌کنیم در روزهایی که هر دو در خانه حضور داریم به بهترین شکل از این فرصت بهره ببریم.

• **شاید خیلی‌ها فکر کنند با توجه به ووشوکار بودن همسرت در خانه هم بداخلاقی می‌کند و خشن است؛ واقعا این‌طور است؟**

نه؛ اتفاقا اصلا این‌طور نیست و برخلاف این‌که می‌گویند رزمی‌کارها بداخلاق و تند هستند اما من این موضوع را قبول ندارم. رزمی‌کاران انرژی و عصبانیت خود را در حین تمرین خالی می‌کنند. من تا حالا کوچکترین خشم و عصبانیتی از همسرم ندیده‌ام؛ اتفاقا در خانه بسیار آرام و خوش‌اخلاق است و شباهتی به محسنی که در ووشو مسابقه می‌دهد، ندارد.

• **تا حالا به این فکر نکرده‌اید که با توجه به برگزاری اردوهای تیم‌ملی در تهران، محل سکونت خودتان را به تهران انتقال دهید؟**

نه؛ هرگز به این موضوع فکر نمی‌کنیم و علاقه‌ای به زندگی در شهر دیگری نداریم. من و محسن شهرمان را دوست داریم و زندگی در زنجان تصمیم مشترک هر دوی ما بود.

• **پس تصمیمات زندگی‌تان را هم مشترکا می‌گیرید؟**

بله؛ در همه زمینه‌ها با هم مشورت می‌کنیم اما حرف آخر را من می‌زنم و محسن هم چاره‌ای جز موافقت ندارد! (خنده)

• **با توجه به این‌که ورزشکاران معمولا از نظر مالی مشکل دارند و حقوق مکفی دریافت نمی‌کنند، برای ادامه زندگی فقط به درآمد ورزشی‌تان اکتفا می‌کنید؟**

همان‌طور که گفتید تقریبا همه ورزشکاران مشکل مالی دارند و این فقط مختص من و محسن نیست. خود من که هیچ درآمدی از ورزش به دست نمی‌آورم و حتی گاهی از جیبم هم خرج می‌کنم. حقوق محسن هم محدود است و به دنبال این هستیم که در آینده نزدیک منبع درآمد جدیدی داشته باشیم.

• **چه اتفاقی افتاد که تصمیم به ازدواج با مهسا جاور گرفتید؟**

سال‌های زیادی بود که دورادور مهسا خانم را می‌شناختم. در اردوهای تیم‌های ملی او را دیده بودم و وقتی هم تصمیم به ازدواج گرفتیم، دیدم که در موارد زیادی به هم شباهت داریم. یکی از مهمترین موارد شباهت ما ملی‌پوش بودن هردویمان بود. ما از نظر فکری، اجتماعی و شغلی شباهت زیادی به هم داشتیم و قطعا به سادگی می‌توانستیم شرایط همدیگر را درک کنیم. درواقع من مهسا خانم را به دلیل ورزشکار بودن و شخصیتش انتخاب کردم. داستان ما بسیار طولانی است و باید از آن یک کتاب بنویسم! من مهسا را از بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگژو می‌شناسم، اما هیچ ارتباطی با هم نداشتیم. قبل از بازی‌های آسیایی گوانگژو مراسم بدرقه ورزشکاران زنجان بود که من او را آن‌جا دیدم و فقط در این حد می‌شناختم که او یک قایقران است، بعد از آن هیچ اتفاقی رخ نداد تا این‌که اردوهای آمادگی بازی‌های آسیایی اینچئون شروع شد. برخی از دوستانم در تیم‌ملی قایقرانی مخصوصا محسن شادی، از مهسا خانم بسیار تعریف و تأکید می‌کردند که اگر او را دوست داری حتما ازدواج کن. بعد از آن‌که از بازی‌های آسیایی اینچئون آمدیم، تصمیمم را برای ازدواج گرفتم و به خانواده گفتم. بعد از آن هم به خواستگاری رفتیم و خدا را شکر همه چیز برای ازدواجمان مهیا شد.

• **قطعا زندگی شما هیچ شباهتی به افراد عادی ندارد. در این‌باره صحبت کنید.**

بله، زندگی زناشویی ما کوچکترین شباهتی به افراد عادی ندارد. زوج معمولی همواره کنار هم حضور دارند و خیلی کم پیش می‌آید که از هم دور باشند، اما در زندگی ما دقیقا برعکس است. ما اغلب اوقات کنار هم نیستیم مگر به ندرت. روال زندگی ما به دلیل حضور دایم در مسابقات و اردوها زندگی خاصی است. در چند ماه آینده هم با آغاز اردوهای بازی‌های آسیایی کنار هم بودنمان کمتر خواهد شد، مگر این‌که در اردوهای تیم‌ملی همدیگر را ببینیم.

• **با سختی‌ها و نبودن‌ها چطور کنار می‌آیید؟**

ما از قبل درباره تمام این مسائل صحبت کرده بودیم و چون هر دو ورزشکار حرفه‌ای هستیم، می‌توانیم شرایط را درک و قبول کنیم. به‌صورت متقابل با هم کنار می‌آییم و فشارها را تحمل می‌کنیم. وقتی این سختی‌ها منجر به کسب مدال شود، برایمان ارزش بیشتری پیدا می‌کند و یاد می‌گیریم دوری‌ها و تنهایی‌ها را بپذیریم تا بهترین نتیجه را بگیریم. این را هم باید بگویم که همسرم مثل یک ستون در زندگی من حضور دارد و به خوبی شرایط را درک می‌کند.

• **این دوری‌ها و ندیدن‌ها باعث کمتر شدن صمیمیت شما نمی‌شود؟**

نه، اتفاقا نه‌تنها باعث کم شدن علاقه و صمیمیت‌مان نمی‌شود بلکه ما را بیشتر دلتنگ می‌کند. وقتی بعد از مدتی دوری کنار هم قرار می‌گیریم از تمام لحظه‌های کنار هم استفاده می‌کنیم و قدر همدیگر را بیشتر می‌دانیم.

• **ممکن است به دلیل این‌که ورزش حرفه‌ای روی زندگی خانوادگی‌تان تأثیر می‌گذارد، زودتر از موعد مقرر ورزش را کنار بگذارید؟**

اصلا این‌طور نیست و ما چنین برنامه‌ای در زندگی‌مان نداریم. وقتی می‌خواستیم زندگی مشترک را آغاز کنیم با یکدیگر درباره همه این مسائل صحبت کردیم. من و مهسا با هم به توافق رسیدیم تا زمانی که از نظر جسمی و فکری شرایط خوبی داشته باشیم به ورزش کردن ادامه دهیم. اتفاقا ما درباره تمام این مسائل نظر مشترک داریم و می‌خواهیم تا وقتی که توانایی لازم را داشته باشیم برای کشورمان افتخار کسب کنیم. البته خداحافظی از ورزش حرفه‌ای بخشی از زندگی یک ورزشکار است و برای همه رخ می‌دهد. من و همسرم هر لحظه‌ای که تصمیم به کنار گذاشتن ورزش حرفه‌ای بگیریم ربطی به مسائل زندگی شخصی‌مان ندارد و حتما صلاح دانسته‌ایم در آن برهه زمانی از ورزش کناره‌گیری کنیم. زندگی زناشویی ما درحال حاضر به بهترین شکل ممکن سپری می‌شود و مشکلی نداریم که بخواهیم از ورزش حرفه‌ای جدا شویم.

خیلی‌ها فکر می‌کنند رزمی‌کارها به واسطه رشته‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، افراد خشنی هستند. با توجه به ووشوکار بودن در زندگی شخصی‌تان بداخلاق و خشن هستید؟ البته همسرتان از اخلاق شما خیلی راضی است.

دقیقا همین‌طور است. خیلی‌ها روی حساب این‌که رشته‌های رزمی خشن و پربرخورد هستند، فکر می‌کنند ورزشکاران این رشته هم افراد خشنی هستند اما در واقعیت این‌طور نیست. من آدم بسیار آرامی هستم و اگر هم از چیزی ناراحت باشم آن را با ووشو خالی می‌کنم. اتفاقا برخی می‌گویند در زندگی غیر ورزشی آن‌قدر آرام و ساکت هستم که گاهی حقم را هم می‌خورند و نمی‌توانم از خودم دفاع کنم.

همه ما به‌خوبی می‌دانیم که کار کردن در رشته‌هایی مثل ووشو از نظر مالی درآمد زیادی ندارد و حتی پاداش‌هایی هم که برای مدال‌آوران درنظر گرفته می‌شود با تأخیر زیاد داده می‌شود. با این شرایط و با توجه به این‌که ورزشکار متأهل هستید، درآمدتان راضی‌کننده است؟

همان‌طور که می‌گویید درآمد حضور در رشته‌های رزمی بسیار کم است و کفاف زندگی را نمی‌دهد. درواقع اصل درآمد من از ووشو دریافت پاداش‌های مدال‌هاست که اگر امسال مدال بگیرم، پاداش آن سال آینده پرداخت می‌شود. با وجود این، خوشبختانه مشکل خاصی ندارم و با تمرکز روی مسائل اقتصادی سعی می‌کنم زندگی را بگذرانم.

• **به فکر این نیستید که بعد از خداحافظی از ورزش حرفه‌ای کار دیگری داشته باشید؟**

چرا اتفاقا از الان به این فکر هستم. باید برای دوران بازنشستگی منبع درآمد داشته باشم چون بالاخره یک روز می‌رسد که باید ورزش حرفه‌ای را کنار بگذارم و حتما باید به فکر فراهم کردن سرمایه‌ای برای آینده باشم. خوشبختانه در دولت آقای روحانی باز هم اهمیت دادن به ورزشکاران مدال‌آور و استخدام آنها در مشاغل دولتی مطرح شده که امیدوارم این‌بار عملی شود و مثل سال‌های گذشته در حد حرف نماند. باید این را بپذیریم که قهرمانان ورزشی در دوره جوانی که باید شغل و سرمایه فراهم کنند همیشه در اردو و تمرین هستند اما بعد از پایان دوره قهرمانی به حمایت مسئولان نیاز دارند. امیدوارم این‌بار استخدام مدال‌آوران قطعی شود تا دیگر دغدغه‌ای از این بابت نداشته باشیم.

• **زندگی شما با توجه به این‌که تنها زوج ورزشکار حرفه‌ای هستید برای افراد عادی خیلی جالب است. مردم از عکس‌های دونفره شما استقبال زیادی می‌کنند و آنها را نشر می‌دهند. این موضوع برای شما قابل قبول است یا ناراحتتان می‌کند؟**

من از محبت و لطف مردم نسبت به خودم و همسرم ممنونم. نه‌تنها از علاقه آنها ناراحت نمی‌شوم بلکه خیلی هم خوشحالم که من و مهسا را مورد لطف قرار می‌دهند و از عکس‌های ما استقبال می‌کنند. این‌که عکس‌های دو نفره ما بینندگان زیادی دارد خوشحالم اما هرگز به این فکر نکرده‌ام که فلان عکس را منتشر کنم تا لایک‌های زیادی داشته باشد. نه برای من و نه برای مهسا این مسائل اهمیتی ندارد و پیگیر لایک یا فالوئر برای عکس‌هایمان نیستیم. هر عکسی که مناسب باشد را به اشتراک می‌گذاریم تا کسانی که به ما علاقه دارند آن عکس‌ها را ببینند. از استقبال و علاقه مردم ممنونم و امیدوارم موجب آزار و اذیت کسی نشده باشم.

• **به عنوان حرف آخر، چه صحبتی با همسرتان دارید؟**

از مهسای عزیز ممنونم که همواره کنار من حضور دارد و در شرایط سخت حمایتم می‌کند. او در روزهایی که از نظر روحی حال خوبی ندارم به من کمک می‌کند و با تمام سختی‌ها کنار می‌آید. امیدوارم با مدال طلای جهان پاسخ زحماتش را بدهم.

> **محسن محمدسیفی:**
> **برخی از دوستانم در تیم‌ملی قایقرانی مخصوصا محسن شادی، از مهسا خانم بسیار تعریف و تاکید می‌کردند که اگر او را دوست داری حتما ازدواج کن. بعد از آن‌که از بازی‌های آسیایی اینچئون آمدیم تصمیمم را برای ازدواج گرفتم و به خانواده گفتم. بعد از آن هم به خواستگاری رفتیم و خدا را شکر همه چیز برای ازدواجمان مهیا شد**

پریسا اسلام‌زاده - شهروند | محسن محمدسیفی و مهسا جاور زوج سرشناس ورزش ایران هستند. محسن محمدسیفی از قهرمانان پرافتخار ووشو است که با دو مدال طلا در بازی‌های آسیایی و یک طلا و یک نقره در بازی‌های جهانی جزو ووشوکاران سرشناس است. مهسا جاور هم ملی‌پوش رشته قایقرانی است که مدال برنز بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ را از آن خود کرد. این دو ورزشکار سرشناس که همشهری هم هستند، ۳ سال پیش پیمان ازدواج خود را بستند تا نخستین زوج سرشناس ورزش ایران باشند. قطعا سختی‌ها و دشواری‌های زندگی ورزشکاران حرفه‌ای قابل قیاس با افراد عادی نیست. حضور در اردوها و مسابقات مختلف در طول سال باعث می‌شود آنها نتوانند مدت زیادی را کنار هم سپری کنند اما هر دو از ازدواجشان خوشحال هستند و برای رسیدن به هدف مشترک سختی‌ها را تحمل می‌کنند. خبرنگار «شهروند» بارها تلاش کرد با این زوج ورزشکار در حضور همدیگر مصاحبه کند تا فضای زندگی مشترک آنها برای خوانندگان ملموس‌تر باشد اما در چند ماه اخیر کمتر زمانی پیش آمد که اردوها و مرخصی‌های آنها همزمان با هم باشد. به همین دلیل در آستانه سفر تیم‌ملی ووشو با این زوج ورزشکار به گفت‌وگو درباره زندگی شخصی آنها نشستیم. زندگی‌ای که تفاوت‌های جالبی نسبت به افراد عادی دارد و در عین حال که دشوار و پر از دوری است، اما مهسا و محسن بسیار خوشحال و راضی هستند.

محسن محمدسیفی:

عصبانیتم را روی تاتامی ووشو خالی می‌کنم

محسن محمدسیفی از پرافتخارترین ورزشکاران ووشو است. او دو مدال طلای آسیایی و یک مدال طلای جهانی دارد و به‌تازگی هم در مسابقات قهرمانی جهان مدال باارزش طلا را گرفت. سیفی به واسطه همشهری بودن با مهسا جاور و دوستی نزدیک با هم‌تیمی‌های او، تصمیم به ازدواج با این خانم ملی‌پوش گرفت. سیفی هم مثل همسرش سختی‌های زندگی مشترک دو ورزشکار حرفه‌ای را با انگیزه دستیابی به اهداف بزرگش تحمل می‌کند. او در سال‌های اخیر یکی از پرافتخارترین ورزشکاران ایران بوده و در اغلب مسابقاتی که حاضر شده، مدال گرفته است. وقتی از سیفی درباره دلیل ازدواجش با یک ورزشکار حرفه‌ای و ملی‌پوش می‌پرسیم، می‌گوید شرایط زندگی‌اش را فقط کسی می‌تواند درک کند که خودش هم در چنین شرایطی قرار داشته باشد.

سیفی می‌گوید تا وقتی که از نظر روحی و جسمی در شرایط خوبی قرار داشته باشد به ورزش حرفه‌ای ادامه می‌دهد و مشکلات زندگی زناشویی باعث نخواهد شد که او و همسرش زودتر از موعد مقرر تصمیم به خداحافظی از ورزش بگیرند. سیفی می‌گوید از وقتی ازدواج کرده شرایط بهتری برایش ایجاد شده چون همسرش همواره از او حمایت می‌کند و اجازه نمی‌دهد مشکلات زندگی دو ورزشکار حرفه‌ای تأثیری روی زندگی او و همسرش داشته باشد. این دو ورزشکار که هر دو زنجانی هستند بعد از ازدواج هم تصمیم گرفتند در شهر خودشان بمانند و به زندگی مشترک‌شان ادامه دهند. اگرچه حضور در تهران می‌تواند به دلیل اردوهای مکرر برای آنها بهتر باشد، اما این دو ورزشکار حرفه‌ای علاقه زیادی به زادگاه خود دارند و می‌خواهند با وجود مشکلات در شهر خودشان به زندگی ادامه دهند. گفت‌وگوی خبرنگار «شهروند» با محسن محمدسیفی درباره زندگی زناشویی‌اش را بخوانید.